



واکنش حمیدرضا جلابی پور

به نقد محسن آرمین از بیانیه روزنه گشایی

اختلاف نظرها راهبردی است

در پی انتشار سخنان محسن آرمین در جلسه جبهه اصلاحات در نقد بیانیه «روزنه گشایی»، حمیدرضا جلابی پور جوابیه‌ای منتشر کرد. در ابتدای این یادداشت آمده: «دکتر آرمین صراحتاً گفته‌اند که بیانیه ۱۱۰ امضایی شروع یک انشعاب از جبهه است. مصوبه انتخاباتی جبهه اصلاحات ندادن لیست به نام جبهه یا اصلاح طلبی در تهران است. بیانیه تحلیلی و گفتنی ۱۱۰ امضایی هم اساساً لیستی ن داده و اسمی از جبهه و اصلاح طلبی نبرده است و به هیچ وجه ناقض مصوبه جبهه نیست. اکثر امضاکنندگان متکثر آن هم عضو جبهه یا حتی احزاب نیستند. دکتر آرمین در صورت بندی شان اختلاف نظر میان نیروهای مسلح را صرفاً یک اختلاف جزئی مصداقی درباره انتخابات ۱۴۰۲ توصیف کرده اند و منکر تفاوت های راهبردی شده اند. تلقی من درست برعکس است و اختلاف نظرها را راهبردی و مهم می دانم.» در بخش دیگر یادداشت آمده است: «تفاوت های برآمده از مبانی نظری جدید و تجارب ایران و سایر کشورها از جمله به تفاوت هایی در عمل و راهبرد می انجامد. این تفاوت ها سطحی و مصداقی نیست. برخی تفاوت ها شاید مصداقی باشد، ولی مثلاً تفاوت راهبردی است میان گرایش که «توافق گرا» است و نیرویی که «تضادگرا» است. تفاوت راهبردی است میان گرایشی که انتخابات آزاد را نتیجه ممارست انتخاباتی می داند و گرایشی که آزادی انتخابات، پیش شرط حضور در انتخابات قرار می دهد. تفاوت راهبردی است میان نیرویی که به نام جامعه محوری، کنشگری انتخاباتی را از ماه ها قبل از انتخابات ره می کند و نیرویی که متوجه است در شرایط ساختاری امروز حتی کار مؤثر جامعه محور و تقویت قدرت متشکل هم مستلزم ایجاد حدی از گشایش و پذیرش در نهادهای حکمرانی است.»

در ادامه یادداشت نوشته شده: «امضاکنندگان بیانیه مطلقاً از سرمایه جناب آقای خاتمی یا جبهه و حتی نام اصلاح طلبی و هر نیروی سیاسی دیگری خرج نکرده اند و در مقام توصیه به جناب آقای خاتمی که چتر رهبری شان شمول گرا و تکتک پذیر است، نبوده اند. این که رسانه های مختلف چگونه مطالب نیروهای هر دو سوی طیف را پوشش می دهند قابل کنترل کسی یا امضاکنندگان نیست. جبهه اصلاحات هم می تواند این تکتک را پوشش بدهد؛ به نحوی که طرفین ناچار نباشند بین التزام به راهبردهای مختارشان و عضویت در جبهه انتخاب کنند. در سال های ۹۸ و ۱۴۰۰ هم این تکتک به رسمیت شناخته شد و مانع فروپاشی جبهه گردید. اما اگر این تکتک به رسمیت شناخته و تحمل نشود طبیعی است که التزام افراد به اقتضات راهبردی که مصالح ایران را در آن می بینند می تواند به تضعیف جبهه یا حتی انشعاب بیانجامد. اما در هر حالت، ربطی به این بیانیه تحلیلی ندارد. از همه عجیب تر این است که امضاکنندگان بیانیه ای که اساساً ارائه استدلال محور تحلیل بوده است و هیچ تعارضی با مصوبه جبهه نداشته است غیر منصفانه به عبور از خاتمی و انشعابی گری و تن ندادن به نظر اکثریت و انشقاقی و انواع اتهامات ناروا متهم می شوند و در مقابل چهره هایی که آشکارا و متعارض با راهبرد جبهه و اصلاح طلبی و مشی جناب آقای خاتمی از تحریم انتخابات و گذار حرف می زنند، توسط دوستان جبهه نقد نمی شوند. دکتر آرمین می گویند که انتخابات ۱۱ اسفند کنشگری بدون مرز» است. از ایشان می پرسم طبق چه مبنایی فراخوان عمومی دادن در ۹۴ برای شناسایی نامزدهای گنم اصلاح گرا بعد از رصلاحت گسترده، روزنه گشایی قابل دفاع است، ولی حتی ثبت نام نکردن در انتخابات ۱۴۰۲ و حمایت نکردن از بیش از ۱۰۰ نامزد اصلاح گرا و میانه رو که بعضاً از نامزدهای ۹۴ با سابقه ترند و حتی بدون فراخوان شناخته شده اند، مصداق روزنه گشایی قابل دفاع نیست؟ چطور علی رغم رصلاحت گسترده در ۹۴ روزنه گشایی تدریجی گرا ظلم شسویی نبود و در ۱۴۰۲ وقتی حتی شورای نگهبان برای اولین بار بعضی رصلاحت شده های هیئت های اجرایی و عدم احراز ای ها را تایید می کند رای اعتراضی و روزنه گشا به آن ها غیر مصلحانه است؟»

در پایان یادداشت نوشته شده: «اختلاف نظری و راهبردی دو سوی طیف جدی است و مسائل شخصی و سطحی و مصداقی توضیح نمی دهد. بهتر نیست به جای اتهام زنی ناروا و تخفیف و نیت خوانی و تلاش برای انکار صداها و تحلیل ها و راهبردهای متکثر، هر کدام به اقتضات تحلیل شان و آنچه خیر و صلاح مملکت و ایرانیان را در آن می بینند، عمل کنند؟»

نگاه اصلاح طلب / ۲

وهاب محمدیان فعال سیاسی اصلاح طلب:

مردم از اصلاح طلبان و اصولگرایان عبور کردند

ایشان از سمت شورای نگهبان رصلاحت نشدند و اعتبارنامه ایشان از سمت نمایندگان مجلس رد شد و شورای نگهبان بارها اعلام کرد که مدارک موجود برای رصلاحت او قابل قبول نبود. اصلاح طلبان استان در سطح محلی، ملی و استانی چنین افرادی را اصلاح طلب های حداقلی می دانند که در شهرستان ها، خود را اصلاح طلب معرفی می کنند و در تهران موضوع را انکار می کنند و این از طرف اصلاح طلب ها قابل قبول نیست و سکوت معناداری که نسبت به رد اعتبارنامه انجام شد، به همین دلیل است که در جمع اصلاح طلب ها پذیرفته نشدند.

واکنش مردم به فضای انتخابات در این روزها چیست؟

واقعیت جامعه این است که یأس و فضای رکود سیاسی در بین مردم حاکم است و مردم از شرایط موجود راضی نیستند اما در استان کهگیلویه و بویراحمد به صورت ویژه که موضوع قومیت در انتخابات پررنگ تر است، شور و هیجان مقداری بیشتر است اما مردم ناراضی هستند و بخش زیادی از کسانی که فعالیت انتخاباتی انجام می دهند، به دلیل احتمالی است که نسبت به تأثیرگذاری انتخابات در شرایط زندگی و وضعیت معیشتی خود و خانواده خود در نظر گرفته اند که ممکن است با حضور نماینده منتخب آنها تغییر کند. با نگاه واقع بینانه به این موضوع تأثیرگذاری استان هایی امثال استان ما در معادلات ملی کمتر از نیم درصد است اما در انتخابات مجلس به دلیل شرایطی که استان کهگیلویه و بویراحمد دارد و از نظر اقتصادی و درآمدی و نبود بنگاه های اقتصادی و سرمایه گذاران خاص در استان ما، تأثیرگذاری انتخابات در زندگی تک تک افراد این استان مشهود است و این تأثیرگذاری باعث شده است تا مردم نسبت به موضوع انتخابات بی تفاوت نباشند. الان در هر خانه ای افراد تحصیل کرده و بیکار می بینیم و شرایط ایجاد شغل و کسب درآمد برای خانواده ها در استان ما یک چالش جدی است. مجموعه این عوامل باعث می شود که مردم به انتخاب یک نماینده که کاری برای آنها انجام دهد، هنوز امید داشته باشند. از همین روی انتخابات را در زندگی خود تأثیرگذار می بینند و این مسئله حضور مردم را پررنگ می کند و سعی می کنند که در انتخابات فعال باشند؛ هر چند که بخش زیادی از جامعه استان نسبت به موضوع انتخابات بی تفاوت هستند و فعال نیستند.

درباره گرایش مردم به احزاب و قومیت ها در استان کهگیلویه و بویراحمد لطفاً توضیح دهید.

فکر می کنم مردم از اصلاح طلبان و اصولگراها عبور کرده اند و حتی در مناطق استان ما که مسئله قومیت پررنگ تر است، مردم نسبت به جایگاه اصلاح طلب و اصولگرا در حاکمیت نگاه ویژه ای ندارند و همه را یکی می دانند و از آنها رد شده اند. اما خُب همچنان دنبال دغدغه های خانوادگی و شخصی از جمله اشتغال و معیشت و مسئله قومیت و عشیره ها هستند.

وهاب محمدیان، رئیس حزب ندای ایرانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، فضای سیاسی و انتخاباتی این استان را متفاوت از دوره های قبل ارزیابی می کند. او در گفت و گو با هم میهن با اشاره به عبور مردم از جریان های حزبی در این استان اما مشارکت در آن را به دلیل مشکلات و مسائل معیشتی و انتظار از حل این مشکلات از سوی نمایندگان قابل قبول پیش بینی می کند که در ادامه می خوانید:

با توجه به نزدیک شدن به روزهای پایانی منتهی به برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم درباره فضای انتخاباتی و سیاسی استان کهگیلویه و بویراحمد توضیح دهید.

احزاب اصولگرا فعال هستند اما احزاب اصلاح طلب در چار چوب حزبی فعال نیستند. شاید افراد شخصاً فعالیت داشته باشند اما نه در قالب فعالیت حزبی اصلاح طلبی. تشکل های اصلاح طلب استان کهگیلویه و بویراحمد از جمله اعتماد ملی، اعتدال و توسعه که تشکل میانه رویی هستند و ندای ایرانیان به صورت حزبی فعال هستند و قرار است تا چند روز آینده کاندیدان نیز معرفی کنند اما بقیه احزاب اصلاح طلب خیر.

آیا فضای انتخاباتی در شهرهای مختلف شکل گرفته است؟

در استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل مشارکت عشیره ای و بحث های قومی و قبیله ای که در آن مطرح است، فضای انتخاباتی وجود دارد؛ هم احزاب و هم گروه ها و قومیت ها فعال هستند

در مقایسه با انتخابات قبلی مجلس، فضا را چطور ارزیابی می کنید؟

نسبت به انتخابات های قبلی مشارکت شاید اندکی کمتر باشد اما هنوز به درستی مشخص نیست و تا روز انتخابات ممکن است شرایط تغییر کند.

آیا چهره های شاخص اصلاح طلب در استان کهگیلویه و بویراحمد تایید صلاحیت شده اند؟

از نظر تشکل ها خیر اما چهره هایی هم تایید شده اند که ممکن است خود را اصلاح طلب بنامند اما در حزب حضور ندارند. سه چهره سرشناس تایید شده اند که خود را منتسب به جریان اصلاحات می دانند اما بخشی از جریان اصلاحات، آنها را از خود نمی دانند.

یکی از چهره های پرحاشیه که در دوره قبل اعتبارنامه اش مورد تایید قرار نگرفت، در این دوره تایید صلاحیت شده است و در کنار آن چهره هایی به این دلیل که چهره های شاخص حزبی بودند، نتوانستند صلاحیت کسب کنند. این اقدامات چه تأثیری بر نگرش مردم دارد؟

محسوسی ندارند. فعالان سیاسی که در احزاب اصلاح طلب عضو هستند و چهره های شاخصی هستند هم فعالیتی ندارند. اما اصولگراها به صورت محسوس، رسمی و با پرچم فعالیت دارند.

در مورد رفتار سیاسی مردم استان کهگیلویه و بویراحمد به انتخابات و نگاه سیاسی آن ها در انتخاب لطفاً توضیح دهید.

رفتار انتخاباتی استان هایی شبیه استان ما متفاوت از کلان شهرها و استان های بزرگ است. می توان گفت رفتار انتخاباتی در استان ما تا حد زیادی رفتار قومی، قبیله ای، ایلی است و البته با توجه به اینکه یک جبهه (جبهه اصلاحات استان) حضور رسمی هم در انتخابات ندارد، نمود این مسئله بیشتر است و رفتار قومی و قبیله ای غالب شده است. اما در بخش های مؤثر و مهمی هم رقابت سیاسی همچنان وجود دارد. در بین اصولگراها به دلیل اینکه رسماً لیست معرفی کرده اند بعضی از کاندیداهای منتسب به اصولگراها تا حدی ادعای رفتار جبهه ای و سیاسی دارند. کاندیداهای مستقل و کسانی که به زعم خود و مردم به اصلاح طلبی گرایش دارند، به دلیل اینکه جبهه اصلاحات در سطح کشور و استان لیستی ارائه نخواهند داد، باعث شده که شکل قومی انتخابات پررنگ تر باشد. در مجموع در استان می توان گفت که رفتار قومی و قبیله ای خیلی پررنگ است و به نوعی هژمونی نسبی دارد.

عوامل بر کاهش مشارکت و یا عدم مشارکت اثرگذار بوده است.

فضای انتخاباتی در استان کهگیلویه و بویراحمد در این دوره چه تفاوتی با دوره های گذشته دارد و فعالیت احزاب با توجه به نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات چگونه است؟

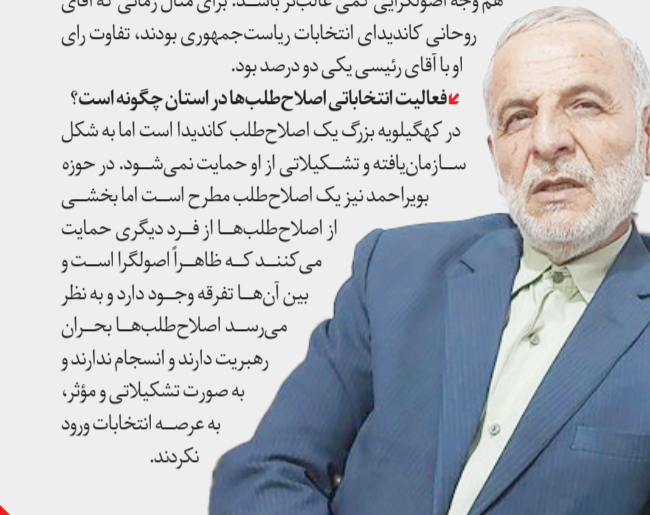
استان کهگیلویه و بویراحمد تقریباً فضای انتخاباتی به خود گرفته است. البته امسال از اوایل بهمن ماه تبلیغات انتخاباتی شروع شد (و می توان گفت آزاد شد) که خیلی زودرس بود و در حال حاضر حال و هوای انتخاباتی حاکم است و کاندیداهای نام آور و سرشناس مشغول رقابت هستند. در مورد احزاب اما اصولگراها و جریان های همسو با آن ها رسماً فعالیت دارند و کاندیدان نیز معرفی کرده اند اما با توجه به اینکه در کشور هنوز جمع بندی های نهایی جریان اصولگرا انجام نشده، لیست افراد در استان ما نیز منتشر نشده است. در جلسات استانی اعلام کردند که کاندیداهای انتخاب کردند به عنوان کاندیدای اصولگراها به عرصه انتخابات معرفی می شوند. در میان احزاب اصلاح طلب در استان کهگیلویه و بویراحمد به تبع استراتژی ملی جبهه اصلاحات در کشور لیستی در استان ارائه نخواهند داد. هر چند شخصیت هایی که الزام تشکیلاتی ندارند و عضو احزاب اصلاح طلب نیستند فعالیت دارند. البته برخی از این شخصیت ها نیز فعالیت

است؟ در کدام شهرستان ها مردم بیشتر حزبی عمل می کنند و در کدام بخش ها و شهرها رفتار قومی و قبیله ای حاکم است؟

در استان یک حوزه انتخابیه به نام کهگیلویه بزرگ داریم که از ابتدای انقلاب و زمانی که بحث اصلاح طلبی و اصولگرایی مطرح شده، از آن هیچ اصلاح طلبی به مجلس راه پیدا نکرده است. گجساران حوزه سیاسی تری است و کاندیداهای اصلاح طلب در این شهر رای می آورند و هر چند بخشی از این رای آوری مربوط به شخصیت کاندیدا است. در مرکز استان نیز مردم با توجه به فضای سیاسی کشور به کاندیداهایی که در فضای انتخاباتی مطرح هستند، توجه می کنند و شخصیت کاریزماتیک افراد می تواند تأثیرگذار باشد. در واقع از سه حوزه انتخابیه یک حوزه کاملاً اصولگرا است، یک حوزه سیاسی تر است که نصفی از دلیل رای آوردن یک اصلاح طلب به دلیل جریان حزبی اصلاح طلبی است و در مرکز استان اصلاح طلبان و اصولگراها فاصله چندانی ندارند و شاید هم وجه اصولگرایی کمی غالب تر باشد. برای مثال زمانی که آقای روحانی کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری بودند، تفاوت رای او با آقای رئیسی یکی دو درصد بود.

فعالیت انتخاباتی اصلاح طلب ها در استان چگونه است؟

در کهگیلویه بزرگ یک اصلاح طلب کاندیدا است اما به شکل سازمان یافته و تشکیلاتی از او حمایت نمی شود. در حوزه بویراحمد نیز یک اصلاح طلب مطرح است اما بخشی از اصلاح طلب ها از فرد دیگری حمایت می کنند که ظاهراً اصولگرا است و بین آن ها تفرقه وجود دارد و به نظر می رسد اصلاح طلب ها بحران رهبریت دارند و انسجام ندارند و به صورت تشکیلاتی و مؤثر، به عرصه انتخابات ورود نکرده اند.



امسال است که فرمانده نظامی این شهر آنها را تنها فعال فضای مجازی معرفی کرد. اما رفتار انتخاباتی مردم در این استان تابعی از عوامل متعدد است. در تحقیقی که بررسی مقایسه ای رفتار انتخاباتی رای دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی در استان کهگیلویه و بویراحمد صورت گرفته، نتایج به دست آمده نشان داد: «میانگین رفتار انتخاباتی محلی بالاتر از رفتار انتخاباتی ملی است. در تعیین هر دو نوع رفتار انتخاباتی داده ها نشان داد که متغیرهای دیدناری، گرایش سیاسی، تبلیغات، رهبران افکار، عوامل اقتصادی-اجتماعی و عوامل جامعه شناسی، با هر دو رفتار انتخاباتی، ارتباط مثبت و معناداری دارند. اما نتایج همچنین نشان می دهد که میزان تأثیرگذاری هر یک از این متغیرها بر رفتار انتخاباتی در دو انتخابات، متفاوت است؛ یعنی متغیرهای مستقل، در تعیین دو انتخابات، یکسان عمل نکردند. چنانچه نتایج نشان داده است متغیرهای مناسبات عشیره ای، دینداری و عوامل اجتماعی بر رفتار انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و متغیرهای رهبران افکار، تحصیلات، تبلیغات و گرایش سیاسی بر رفتار انتخاباتی در انتخابات ریاست جمهوری تأثیر بیشتری داشته اند. بر اساس یک تحلیل کلی می توان گفت که مجموعه متغیرهایی که با رفتار انتخاباتی محلی در ارتباط بودند، همگی نسبتاً همسو سنی داشتند. در مقابل، مجموعه متغیرهای مرتبط با رفتار انتخاباتی ملی، سمت و سوی مدرن تر می دارند. به نظر می رسد علت این پدیده بستر و زمینه ای است که تحقیق در آن انجام گرفته است. به طور کلی می توان اینگونه استنباط کرد که به دلیل بافت سنتی استان کهگیلویه و بویراحمد، انتخابات محلی، برای رای دهندگان اهمیت بیشتری دارد و در تعیین آن نیز مجموعه متغیرهای سنتی تر اثرگذاری بیشتری دارند.» حال با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات باید دید مردم این استان که رکورددار مشارکت در انتخابات هستند، چه واکنشی به شرایط موجود نشان خواهند داد.

ادوار مجلس	مشارکت (درصد)
مجلس اول	۴۳/۹۳
مجلس دوم	۷۸/۵۹
مجلس سوم	۸۴/۹۳
مجلس چهارم	۸۶/۶۲
مجلس پنجم	۹۶/۱۶
مجلس ششم	۹۶/۵۱
مجلس هفتم	۸۹/۸۱
مجلس هشتم	۸۷/۵۹
مجلس نهم	۸۹/۹۶
مجلس دهم	۸۰
مجلس یازدهم	۷۰/۴۳

در دستگاه های نظارتی و شورای نگهبان حضور دارند، تصمیم گیرنده باشند و باعث شوند جریان های سیاسی به ویژه اصلاح طلبان و نیروهای مؤثر آن ها حذف شوند. در نتیجه وقتی که رقابت نباشد و شاهد یک انتخابات آزاد و رقابتی نباشیم، طبیعتاً مشارکت کاهش پیدا می کند؛ لذا یکی از عوامل بسیار مهم در کاهش مشارکت مردم رصلاحت های گسترده در چند دوره بوده است. برای مثال در دو دوره انتخابات پیش از این حدود ۱۴ هزار نفر رصلاحت شدند و بیش از ۵۰ درصد نیروهای مؤثر و دارای پتانسیل رقابت حذف شدند و در سوی مقابل صلاحیت ها مکرراً تأیید شد. در نتیجه به تدریج و در دوره های متعدد انتخابات از معنا و مفهوم افتاد و رقابت کاهش یافت و تضعیف شد. طبیعی است اگر در استانی یک جبهه نادیده گرفته شود یا حذف شود و به عرصه انتخابات ورود نکند، رقابت کاهش پیدا می کند که می توان این مؤلفه را به مؤلفه مشکلات اقتصادی اضافه کرد. از طرفی هم به دلیل رصلاحت های متعدد رخ داده، نیروهای توانمند و مشهور قید ثبت نام در انتخابات را زدند. البته که نمی توان عرصه فرهنگی، اجتماعی، عرصه پیشرفت و توسعه کشور را نیز نادیده گرفت. مقایسه ای که بین پیشرفت کشور ما با کشورهای همسایه انجام می شود بر مشارکت تأثیر دارد و وقتی عقب افتادن کشور را می بینند، مردم ناامید و از صندوق رای دور و مایوس می شوند که نتیجه آن در میزان مشارکت در سطح کشور مشاهده خواهد شد. در این دوره با توجه به شرایط موجود حتی در استان هایی که انتظار رقابت انتخاباتی وجود دارد، تأثیر آن دیده می شود و مجموعه این